

# سرمایه اجتماعی: بستری برای اعمال کیفرهای اجتماع محور در ایران

امیرحمزه زینالی<sup>۱</sup>

## چکیده

سیاست گذاری در زمینه چگونگی کنترل جرم و انتقال سیاست‌های کنترل بزه کاری از یک نظام عدالت کیفری به نظامی دیگر مستلزم جذب یا ادغام و سازش پذیری یا انطباق داده‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی و سایر بسترهای اجتماعی و فرهنگی در کشور واردکننده و مهم‌تر از همه، در گرو بسترهای اجرائی و رفاهی است. بخش زیادی از تحولات صورت گرفته در حوزه کیفرشناسی در جوامع غربی (به عنوان صادرکننده سیاست‌های کنترل جرم)، با توجه به نوع و گستره بزه کاری در این جوامع، تجارب خاص آنها در مبارزه با جرائم و مهم‌تر از همه در بستر خاص اجتماعی و فرهنگی و رفاهی آنها، پیشنهاد، تصویب و به مرحله اجرا گذاشته شده و مرتباً مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

این مقاله به بررسی کیفرهای اجتماع محور در پرتو ارزیابی سرمایه اجتماعی در ایران امروز می‌پردازد، کمیت و کیفیت مؤلفه‌ها و شاخصه‌های سرمایه اجتماعی به‌ویژه مشارکت و اعتماد اجتماعی از جمله بسترهای اولیه اعمال این کیفرها محسوب می‌شوند.

## واژگان کلیدی

کیفرهای اجتماع محور، خدمات اجتماع محور، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سیاست‌های کنترل جرم

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و عضو گروه پژوهشی رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی

## درآمد

نگاهی هرچند گذرا به تاریخ تحولات واکنش‌های اجتماعی علیه بزه‌کاری یا سیاست‌های کنترل جرم در یک‌صدسال اخیر ایران، بیش از هر چیز نشانگر این واقعیت است که بیش‌تر این سیاست‌ها از طریق ترجمه متون قانونی کشورهای غربی<sup>۱</sup> — به‌ویژه از نظام حقوقی رومی-ژرمنی و (به‌ویژه فرانسه) — وارد حقوق کیفری ایران شده است.<sup>۲</sup> در فرآیند انتقال این سیاست‌ها دو موضوع همواره مورد بی‌توجهی قرار گرفته است:

**اول:** نادیده گرفتن بسترهای اجرائی<sup>۳</sup> لازم به‌منظور اعمال سیاست کنترل جرم ملهم از حقوق کیفری خارجی که به عنوان بهترین نمونه می‌توان به ق.ا.ت. اشاره کرد. این قانون جز در مواردی محدود عملاً به دلیل فراهم نبودن امکانات و بسترهای لازم، به قانونی متروک تبدیل شد.<sup>۴</sup> همچنین، می‌توان به قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه‌کار ۱۳۳۸ اشاره کرد که به چنین سرگذشتی گرفتار شد و پس از گذشت نه سال از تصویب آن، یعنی در تاریخ ۱۳۴۷، اولین قانون اصلاح و تربیت در تهران به عنوان مهم‌ترین ره‌آورد این قانون به بهره‌برداری رسید.

**دوم:** نادیده انگاشتن بسترهای فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران در انتقال سیاست‌های مقتبس از متون یا حقوق کیفری تطبیقی (خارجی). به طور کلی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی مردم ایران به عنوان یک مؤلفه تأثیرگذار،

۱. البته این به آن معنا نیست که در حوزه واکنش اجتماعی علیه جرم (به‌ویژه بعد از انقلاب) این سیاست‌ها از رهگذر ترجمه متون فقهی تحت تأثیر قرار نگرفته اند. این موضوع نیز به دلیل تأثیر مؤلفه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی خاص بر آنها در فرآیند انتقال و اعمال در جامعه ایران نیازمند تحقیق مستقلی است که در این مقاله مجال پرداختن بدان وجود ندارد.

۲. شاید بتوان گفت که اولین تلاش‌ها در این زمینه با تدوین مجموعه قوانینی از مقررات عرفی — در کنار مقررات شرعی — با عنوان «کتابچه دستورالعمل دیوان‌خانه عدلیه» در عصر ناصری به سال ۱۲۷۹ قمری (۱۸۶۲ میلادی) و نیز ترجمه کدناپلئون و قوانین دولت عثمانی آغاز گردید (۴۲۲: ۲) و نیز: (۴۵: ۱۲).

۳. به عنوان مهم‌ترین بسترهای اجرائی لازم در زمینه اعمال مجازات جامعه‌مدار در ایران می‌توان به کمبود متخصصان غیرقضائی نظیر مددکاران اجتماعی و مأموران مراقبتی به منظور نظارت بر اجرای آنها و فراهم نبودن بسترهای اطلاعاتی نظیر بایگانی جنائی به منظور اعمال این نوع کیفرها اشاره کرد (۱۰۱، ۲۵: ۷).

۴. این قانون از دیدگاه آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی یا اصلاح و درمان بسیار قابل توجه است.

چندان مورد توجه سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران و متخصصان و استاد‌های علوم جنائی در حوزه عدالت کیفری قرار نگرفته است.<sup>۱</sup>

در دهه‌های اخیر در قلمرو سیاست‌های کنترل جرم، شاهد پیدایش دیدگاه‌هایی هستیم که بر استفاده از ظرفیت‌های جامعه در اصلاح مجرمان غیرخطرناک و اصلاح‌پذیر و استفاده حدقلی از کیفر حبس تأکید می‌نمایند. بدین سان، گونه‌نویسی از کیفرها معروف به «کیفرهای اجتماع‌محور»<sup>۲</sup> تحت تأثیر این دیدگاه‌ها به قوانین کیفری کشورهای مختلف وارد شدند. هر چند جایگزین‌های سنتی زندان – نظیر تعلیق اجرای مجازات<sup>۳</sup>، آزادی مشروط<sup>۴</sup> (۱۳۳۴ و ۱۳۳۳: ۴)، محرومیت از حقوق اجتماعی<sup>۵</sup> و جزای نقدی<sup>۶</sup> – سابقه‌ای طولانی در حقوق کیفری ایران دارند، اما گونه‌های نسبتاً نوین (شامل دوره مراقبت و خدمات اجتماع‌محور)، با تدوین «لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان»<sup>۷</sup> در حال ورود به نظام عدالت کیفری ایران هستند. در زمینه اهداف، گونه‌ها و جایگاه کیفرهای اجتماع‌محور، مقاله‌ها و کتاب‌های زیادی در ایران به چاپ رسیده است.<sup>۸</sup> اما موضوعی که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته ارزیابی بسترهای

۱. شاهد مثال این موضوع را می‌توان خلأ مطالعات میدانی در جامعه‌شناسی کیفری یا کیفرها در ایران و بی‌اقبالیت اساتید دانشکده‌های حقوق و علوم اجتماعی به درس جامعه‌شناسی کیفری، برشمرد.

## 2. community- based punishments

۳. ر.ک.: مواد ۴۷ تا ۵۰ ق.م.ع. و قانون تعلیق اجرای مجازات ۱۳۴۶.

۴. ر.ک.: قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان ۱۳۳۷.

۵. ر.ک.: بند ۶ ماده ۸ و بند ۳ ماده ۹ ق.م.ع.

۶. جزای نقدی نیز به عنوان مجازات اصلی برای اولین بار در بند ۴ ماده ۹ و بندهای ۲ مواد ۱۰ و ۱۱ به عنوان کیفر جنحه مهم و کوچک و خلاف در ق.م.ع. پیش‌بینی شد و به عنوان یک کیفر جایگزین حبس در موارد جنحه در ماده ۴۵ همین قانون امکان تبدیل حبس تأدیبی به جزای نقدی مقرر گردید.

۷. عنوان‌گذاری برای این لایحه نیز یکی از موضوعات چالش‌برانگیز آن محسوب می‌شود. علاوه بر ایرادهایی که بر استفاده از لفظ اجتماعی در این عنوان وارد است، به نظر می‌رسد جایگزین زندان به دلیل مصالح دیگری انتخاب شده است که به هیچ وجه با محتوای لایحه همخوانی ندارد زیرا مجازات‌های پیش‌بینی شده در این لایحه فقط جایگزینی برای کیفر حبس نبوده و ممکن است برای جرائمی که کیفری غیر از حبس دارند نیز صادر شوند (ر.ک.: ماده ۸ این لایحه) به همین دلیل، بعضی از استاد‌های علوم جنائی بر این عنوان ایراد گرفته و از اصطلاح «مجازات‌های جامعه‌مدار» استفاده نموده‌اند (۲۰) و (۱۰۹: ۲۱).

۸. برای اطلاع بیشتر تر ر.ک.: آشوری، محمد و دیگران؛ جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین؛ نشر گرایش، تهران، ۱۳۸۲، مجموعه مقالات همایش راه‌کارهای کاهش جمعیت کیفری زندان؛ نشر میزان، تهران، بهار

اجتماعی و فرهنگی این ضمانت اجراها در ایران است، موضوعی که در قلمرو بومی‌سازی سیاست‌های انتقالی و یا ملهم از متون قانونی کیفری خارجی مربوط به کنترل جرم بسیار حائز اهمیت است. بی‌تردید، یکی از اهداف اصلی کیفرهای اجتماع‌محور همچنان که از نام آن پیدا است اجرای کیفر در بستر جامعه می‌باشد. این امر بر دو عنصر اعتماد و مشارکت اجتماعی مبتنی است، که تا حدودی در ماده یک لایحه به آن اشاره نموده‌اند. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که مؤلفه مذکور بر جامعه فعلی ایران به عنوان بستر اجتماعی و فرهنگی اصلی اعمال این ضمانت اجراها تا چه حد مورد سنجش، قرار گرفته است؟

موضوع اصلی این مقاله بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی به عنوان مهم‌ترین بستر اجتماعی اجرای کیفرهای اجتماع‌محور در ایران است. این مهم با استفاده از تحقیقات صورت گرفته در سال‌های اخیر انجام خواهد گرفت. البته، نباید فراموش کرد که بسترهای فرهنگی نیز در اتخاذ سیاست‌های کنترل جرم از سوی سیاست‌گذاران مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد. نگرش‌ها و عقاید عمومی مردم و دست‌اندرکاران عدالت کیفری به مقوله بزه‌کاری و نوع و میزان واکنش اجتماعی در ایران از جمله این مباحث می‌باشد. مهم‌ترین مشکل فرا روی نگارش و تدوین این مقاله این بود که اصولاً تحقیق یا پژوهشی که به صورت مستقیم به بررسی بسترهای اجتماعی و فرهنگی اعمال کیفرهای اجتماع‌محور بپردازد، در ایران صورت نگرفته است. بنا بر این برای بررسی این بسترها ناگزیر باید به پژوهش‌های میدانی صورت گرفته در سایر حوزه‌ها روی آورد تا با بررسی آنها بتوان به ارزیابی این بسترها و ارتباط آنها با حوزه کیفرهای اجتماع‌محور پرداخت.

۱۳۸۶، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۸، بهار ۱۳۸۱ و نیز مجموعه مقالات سخنرانی‌های اولین همایش بین‌المللی بررسی راه‌های جایگزین مجازات حبس؛ انتشارات راه تربیت، تهران، ۱۳۸۱، سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، خدمات عام‌المنفعه، تهران، ۱۳۸۴، ماری پیکار، ژان؛ کار عام‌المنفعه، تجربه فرانسه در زمینه یکی از تدابیر جایگزین زندان؛ ترجمه: رایجیان اصلی، مهرداد؛ مجله کانون سردفتران و دفتریاران، ش ۳۲، ۱۳۸۱ و رایجیان اصلی، مهرداد؛ درس‌هایی از تجربه انگلستان و آمریکا در زمینه جایگزین‌های زندان؛ مجله کانون، ش ۳۴، ۱۳۸۱.

این مقاله در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول به بررسی سرمایه اجتماعی در پرتو مؤلفه‌ها و شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی و تحقیقات صورت گرفته در این زمینه در ایران اختصاص می‌یابد. در بخش دوم، چالش‌های اعمال کیفیهای اجتماع محور در پرتو سنجش سرمایه اجتماعی (با تأکید به دو مؤلفه اعتماد و مشارکت اجتماعی) مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت. با توجه به اینکه مقوله جامعه‌شناسی کیفی در ایران گام‌های اولیه خود را طی می‌کند. این مقاله در واقع درآمدی بر مباحث گسترده این حوزه است.

## گفتار نخست: سرمایه اجتماعی: مفهوم، شاخص‌ها و سنجش آن در ایران ۱-۱. مفهوم شناسایی

در دهه‌های پایانی هزاره دوم، به دنبال مطرح شدن موضوع توسعه همه جانبه و متوازن و به‌ویژه توسعه اجتماعی<sup>۱</sup>، مفهوم سرمایه اجتماعی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. با شروع هزاره سوم، توجه روزافزون به جایگاه و نقش سرمایه اجتماعی تداوم یافت، به طوری که امروز با حجم قابل توجهی از منابع و متون مرتبط با سرمایه اجتماعی سروکار داریم (۲۲). بدین ترتیب، مضمون و مفهوم سرمایه اجتماعی در بعد نظری و تجربی مورد توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران اجتماعی قرار گرفته است ولی هنوز با ابهامات نظری و روش‌شناختی عدیده‌ای روبه‌روست (۹۰: ۲۷).

پی‌یر بوردیو<sup>۲</sup> سرمایه اجتماعی را از سایر سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و نمادین متمایز می‌سازد و برای آن ویژگی ساختار و میان‌کنشی قائل است، او سرمایه اجتماعی را شبکه نسبتاً با دوامی از روابط کمابیش نهادینه شده توأم با

۱. این موضوع در سطح بین‌المللی از چنان اهمیتی برخوردار گردید که مارس ۱۹۹۵ به دعوت سازمان ملل متحد سران کشورها در کپنهاک گرد هم آمدند و اعلامیه کنفرانس توسعه اجتماعی (Copenhagen Declaration on Social Development) را به تصویب رساندند (برای مطالعه متن این اعلامیه ر.ک: مرکز مطالعات حقوق بشر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر؛ نشر گرایش، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۳۱ الی ۲۶۶).

2. Pierre Bourdieu

شناخت و تعهدات، از جمله اعتماد متقابل، می‌داند که به عنوان منابعی بالفعل یا بالقوه موجبات لازم برای تسهیل کنش‌های فردی یا جمعی کنشگران را فراهم می‌سازد (۲۴۸: ۲۳) جیمز کلنن نیز همانند بورديو، سرمایه اجتماعی را از سایر انواع سرمایه‌های فیزیکی، اقتصادی و انسانی و غیره متمایز می‌سازد و برای آن خصلتی ساختاری و میان‌کنشی قائل است که کنشگر با عضویت در گروه و تعامل با سایر کنشگران با رعایت اصول و قواعد مورد پذیرش در آن گروه و جلب اعتماد دیگران به اطلاعات مورد نیاز دست می‌یابد و در فرآیند کنش از حمایت جمعی برخوردار می‌گردد (۲۲). بنا بر این سرمایه اجتماعی تسهیل‌کننده کنش‌هاست (۳۰۲: ۵).

فوکویاما<sup>۱</sup> ضمن نقد دیدگاه‌هایی که در تعریف سرمایه اجتماعی فقط بر نهادهای مدنی تأکید می‌کنند، تلاش می‌کند در تعریف سرمایه اجتماعی مثل سایر صاحب‌نظران هر دو جنبه عینی و ذهنی، یعنی شبکه روابط رسمی و غیررسمی و اعتماد اجتماعی، را مورد توجه قرار دهد (۱۲). او کارکرد اصلی سرمایه اجتماعی را تسهیل همکاری و مشارکت گروهی برای تحقق اهداف و منابع فردی و جمعی و کمک به توسعه اقتصادی-سیاسی و فرهنگی می‌داند. فوکویاما برای سرمایه اجتماعی ابعاد درون‌گروهی و بین‌گروهی قائل بوده و معتقد است که برخوردارگی اعضای یک گروه از سرمایه اجتماعی محدود در آن گروه ممکن است مانع برخوردارگی آنان از سرمایه اجتماعی سایر گروه‌ها گردد (۱۱).

افه<sup>۲</sup> با توجه به ابعاد سرمایه اجتماعی آن را در برگیرنده روابط انجمنی، اطمینان به نهادها و اعتماد بین اشخاص و اقوام و خیرخواهی می‌داند. عوامل تاریخی، فرهنگی-سیاسی و اقتصادی را در کم و کیف سرمایه اجتماعی مؤثر دانسته و خود سرمایه اجتماعی را به عنوان یکی از عوامل کارایی و توسعه اقتصادی، نظم و صلح جهانی، احساس امنیت و توسعه معرفی کرده است (۱۱).

بدین‌سان، به نظر می‌رسد که در بین صاحب‌نظران معاصر سرمایه اجتماعی

1. Fukoyama

2. Offe

به عنوان پدیده‌ای اجتماعی با مفهومی چند وجهی مشتمل بر دو بعد عینی و ساختاری و میان‌کنشی (بین‌ایانی) و ذهنی یا شناختی (بین‌آذهانی) — یعنی شبکه‌ی روابط توأم با تعهد و اعتماد اجتماعی — مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی در این مفهوم می‌تواند محدود و درون‌گروهی، یا تعمیم یافته و بین‌گروهی باشد. نوع و میزان سرمایه اجتماعی تابع نوع و ویژگی‌های جامعه و مشخصات سایر خرده‌نظام‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی موجود جامعه است و به نوبه خود در تسهیل کنش‌های اجتماعی، تأمین منافع فردی و جمعی و توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مؤثر است.

در واقع، سرمایه اجتماعی به عنوان مفهومی پیچیده و چند وجهی مشتمل بر جنبه عینی یا ساختاری نظیر شبکه روابط بین اعیان اجتماعی و جنبه ذهنی یا شناختی نظیر اعتماد اجتماعی بین اشخاص و بین افراد و گروه‌ها و نهادهای اجتماعی در نظر گرفته شده است و بین جنبه‌های عینی و ذهنی و مؤلفه‌ها یا ابعاد سرمایه اجتماعی همبستگی ارکانیگ برقرار است، به طوری که در تعامل با هم به عنوان یک مجموعه مرتبط به هم، کلیت واحدی را پدید می‌آورند که سرمایه اجتماعی نام دارد و بر این اساس، ارائه شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی به منظور سنجش مناسب آن ضروری می‌نماید.

## ۱-۲. شاخص‌ها و مؤلفه‌ها

عناصری که از مجموع تعاریف و نظریات فوق می‌تواند به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی استخراج شود، شامل کنش‌های متقابل اجتماعی، تعاملات بین افراد، گروه‌ها و اجتماعات، تعهدات و انتظارات و هنجارها و ضمانت‌های اجرائی مؤثر، ظرفیت بالقوه اطلاعات، اعتماد اجتماعی، انواع روابط، پیوندها، انسجام اجتماعی و استفاده از منابع و منافع مشترک آن می‌باشد (۶: ۵).

در واقع، بر مبنای نظریه‌های ارائه شده می‌توان بر دو عنصر اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی تأکید کرد: نخست اعتماد میان اعضای اجتماع و دیگری مشارکت در سازمان‌های اجتماعی، یعنی عناصری که تحت عنوان «اعتماد

اجتماعی»<sup>۱</sup> و «مشارکت مدنی»<sup>۲</sup> از آنها یاد می‌کنند. در مطالعه‌ای که اخیراً<sup>۳</sup> در زمینهٔ سنجش سرمایهٔ اجتماعی در ایران صورت گرفته است (۱۹) بر اساس صفات یا مؤلفه‌های اصلی در تعریف مفهومی سرمایهٔ اجتماعی شاخص‌ها و معرف‌های عدیده‌ای مطرح شده‌اند. پس از ارزیابی اعتبار صوری آنها از طریق کسب نظرهای استادان در مورد میزان ارتباط و پیوستگی بین معرف‌ها و شاخص‌ها و مؤلفه‌ها و سه‌بار پیش‌آزمون و سنجش پایایی و همبستگی درونی معرف‌های هر یک از شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و شاخص‌های زیر به عنوان ابزار یا مقیاس پنج بعدی سنجش سرمایهٔ اجتماعی در ایران ارائه شده است:

ردیف	مؤلفه‌ها و شاخص‌ها
۱	روابط انجمنی - شبکهٔ روابط با گروه‌ها و نهادها
۱-۱	همکاری با نهادهای مدنی
۲-۱	عضویت در نهادهای مدنی
۳-۱	حضور در برنامه‌های نهادهای مدنی
۴-۱	کمک فکری به نهادهای مدنی
۵-۱	کمک مالی به نهادهای مدنی
۶-۱	قبول مسؤلیت اجرائی در نهادهای مدنی
۲	هنجارها و اعتماد اجتماعی - اعتماد به نهادها، گروه‌ها و مسؤولان و اطمینان از رعایت اصول و قواعد عملی جمعی (ارزش‌های اخلاقی شهروندی)
۱-۲	اعتماد به نهادها
۲-۲	اعتماد به گروه‌های اجتماعی
۳-۲	ارزیابی از وضعیت جامعه
۴-۲	اعتماد به مسؤولان
۵-۲	اطمینان از رعایت اخلاق شهروندی
۶-۲	اطمینان از رعایت ارزش‌های اخلاقی در جامعه

1. social trust

2. civil engagement

۳. در ادامه از یافته‌های این پژوهش استفاده شده است.



ردیف	مؤلفه‌ها و شاخص‌ها
۳	پیوندها و اعتماد بین فردی
۳-۱	احساس دوستی و تعلق و یکی بودن با دیگران
۳-۲	اعتماد به دیگران - اشخاص
۳-۳	همکاری و مشارکت داوطلبانه و رفع مشکل دیگران
۳-۴	شرکت در فعالیت‌های جمعی دیگران
۳-۵	رفت و آمد با دیگران
۴	همبستگی و انسجام اجتماعی
۱-۴	میزان پذیرش اجتماعی
۲-۴	میزان انسجام بین قومی
۳-۴	میزان مدارای قومی و مذهبی
۵	حمایت اجتماعی
۵-۱	احساس برخورداری از حمایت جمعی

### ۳-۱. سنجش سرمایه اجتماعی در ایران

پژوهش‌های اندکی راجع به سنجش سرمایه اجتماعی در ایران انجام شده است. به طور کلی، موضوع سرمایه اجتماعی از لحاظ نظری و تجربی در ایران طی سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال تحقیقی که در مورد سرمایه اجتماعی با تأکید بر روابط و اعتماد اجتماعی در استان اصفهان انجام شد نشان می‌دهد که شهرستان اصفهان در پایین‌ترین و شهرستان اردستان در بالاترین سطح میزان سرمایه اجتماعی قرار دارند (۲۴۷، ۲۴۶، ۲۴۵: ۱۳). همچنین در مطالعه‌ای که در مورد برخی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، به‌ویژه اعتماد اجتماعی، در کتب درسی دوره دبستان در ایران انجام شده، این نتیجه حاصل شده است که ۴۱ درصد از واحدهای متن این کتاب‌ها به تعاملات درون گروهی و فقط ۵/۹ درصد آنها به تعاملات میان گروهی اختصاص دارد (۱۰۱: ۹۰) در سال ۱۳۸۶، عده‌ای از پژوهشگران در تحقیقات جداگانه‌ای به این نتیجه مشترک رسیده‌اند که سیاست‌های توسعه اقتصادی در ایران به تخریب و

فرسایش سرمایه اجتماعی منجر شده است (۱۳۸: ۶).

اما به عنوان مهم‌ترین پژوهش ملی در زمینه سنجش سرمایه اجتماعی در ایران می‌توان به پژوهشی که اخیراً توسط عده‌ای از پژوهشگران با حمایت مالی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی انجام شد اشاره کرد. (۱۹) این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بر روی جامعه آماری افراد ۱۵ سال به بالای خانوارهای معمولی ساکن در مراکز ۳۰ استان کشور در بهار ۱۳۸۵ انجام شده است.<sup>۱</sup>

اطلاعات حاصل از این مطالعه (۲۱۷: ۱۰) نشان می‌دهد که میزان سرمایه اجتماعی در ایران از نظر اغلب مؤلفه‌ها و شاخص‌های چنگانه مرتبط با آنها پایین است. میزان آن در زمینه روابط انجمنی و به‌ویژه قبول مسؤلیت اجرائی در نهادهای مدنی یا کمک فکری به آنها نیز پایین است. این امر نشان می‌دهد که در ایران امروزی کم‌تر کسی به دنبال خیر جمعی است. در بعد پیوندها و اعتماد بین فردی هم سرمایه اجتماعی به لحاظ رفت و آمد و همکاری با دیگران و اعتماد به آنان بالاست، ولی در زمینه احساس دوستی و تعلق به دیگران و شرکت در فعالیت‌های جمعی آنان پایین است.

در بعد همبستگی و انسجام اجتماعی نیز سرمایه اجتماعی در ایران از لحاظ میزان پذیرش اجتماعی و مدارای قومی و مذهبی خوب ارزیابی شده ولی در زمینه انسجام بین قومی پایین است. در بعد حمایت اجتماعی هم ۶۴ درصد افراد مورد بررسی اعلام کرده‌اند که در موقع گرفتاری کسی یا کسانی را دارند که به کمک آنان بشتابند و از آنان حمایت کنند.

بنا بر این می‌توان گفت که وضعیت سرمایه اجتماعی به جز در مواردی استثنائی که آن هم مربوط به جنبه سنتی و سرمایه اجتماعی قدیم است، در اغلب موارد به‌ویژه در بعد روابط انجمنی که از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی جدید به شمار می‌رود چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد.

۱. نوع این تحقیق پیمایشی و تکنیک عمده آن، گردآوری داده‌های پرسش‌نامه بوده است.

در واقع می‌توان گفت که در ایران سرمایه اجتماعی درون گروهی (بین آشنایان) بیش‌تر از سرمایه اجتماعی جدید یا بین گروهی (بین غریبه‌ها) است. هر چه از سطح خانواده به سطوح بالاتر یعنی خویشاوندی، دوستان، همکاران، همسایگان، هم محله‌ها، همشهریان و هموطنان حرکت کنیم از میزان سرمایه اجتماعی کاسته می‌شود. این کاهش در زمینه‌های مشارکت جمعی و اعتماد اجتماعی بیش‌تر است.

### گفتار دوم: سرمایه اجتماعی و کیفی‌های اجتماع‌محور

مضمون سرمایه اجتماعی به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد تقریباً با تمامی موضوعات و مسائل مطرح در حوزه انسانی و اجتماعی از جمله حوزه آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه جرم ارتباط پیدا می‌کند (۳ : ۵).

در هر جامعه‌ای علاوه بر سرمایه‌های فیزیکی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و انسانی و نمادین با گونه‌ها و میزانی از سرمایه اجتماعی هم سروکار داریم که با انواع دیگر سرمایه‌ها رابطه متقابل دارد. سرمایه اجتماعی در جوامع سنتی (ماقبل مدرن) بیش‌تر جنبه درون گروهی توأم با اعتماد اجتماعی محدود و خاص داشته است که امروزه آن را به نام سرمایه اجتماعی قدیم<sup>۱</sup> می‌شناسند. در جوامع مدرن با نوعی دیگری از سرمایه اجتماعی روبه‌رو هستیم که بیش‌تر جنبه گروهی و توأم با اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و عام دارد که از آن با عنوان سرمایه اجتماعی جدید<sup>۲</sup> نام می‌برند. در جوامع در حال گذار امروزی، نظیر ایران، به تبع ارتباط با جهان مدرن و اجرای برنامه‌های نوسازی از بالا توسط دولت‌ها، سرمایه اجتماعی قدیم دچار فرسایش گردیده و سرمایه اجتماعی جدید هم آن طوری که باید شکل نگرفته است (۱۹۶ : ۱۰).

بدین‌سان، در حوزه علت‌شناسی جرائم و ترسیم سیمای جنائی ایران، فقدان سرمایه اجتماعی در ایران یکی از موضوعاتی است که در سطوح خرد و کلان باید مورد توجه قرار بگیرد. از یک‌سو، مشارکت مردم در فرایند کیفی از رهگذر

1. old social capital

2. new social capital

گزارش‌دهی جرم و طرح دعوا و پی‌گیری آن در مراحل مختلف این فرایند که با کمیت و کیفیت سرمایه اجتماعی ارتباط مستقیم دارد، از سوی دیگر، امروزه در مرحله اعمال کیفرها نیز به واسطه فاصله گرفتن نظام‌های عدالت کیفری از کیفرهای صرفاً سرکوبگر و قهرآمیز و اعمال مجازات در بستر جامعه، سرمایه اجتماعی به عنوان مهم‌ترین بستر لازم به منظور پی‌گیری و موفقیت این روی‌کرد از اهمیت اساسی برخوردار شده است. این روی‌کرد در لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس نیز مورد توجه قرار گرفته است.

براساس ماده یک لایحه مذکور این کیفرها با مشارکت مردم و نهادهای مدنی اعمال می‌گردد. برخی از گونه‌های این کیفرها (مانند خدمات اجتماع‌محور) به روابط انجمنی؛ شبکه روابط با گروه‌ها و نهادها؛ اعتماد اجتماعی؛ اعتماد به نهادها، گروه‌ها و مسئولان و اطمینان از رعایت اصول و قواعد عملی جمعی، پیوندها و اعتماد بین فردی و همبستگی و انسجام اجتماعی و حمایت اجتماعی وابسته اند که مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اصلی سنجش سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. بدون وجود سرمایه اجتماعی در ایران هرگونه امیدواری مبنی بر موفقیت این نوع کیفرها در رسیدن به اهداف تعیین شده چندان واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد.

مؤلفه‌ها و شاخصه‌های سنجش سرمایه اجتماعی در میزان موفقیت و شکست اجرای کیفرهای اجتماع‌محور در ایران تأثیرگذار هستند<sup>۱</sup>. این موضوع به میزان سرمایه اجتماعی در بین سه گروه «مخاطبان» (مجرمان)، «دست‌اندرکاران اعمال این کیفرها» و «اعضای جامعه» از نظر کمی و کیفی، وابسته است.

## ۲-۱. سرمایه اجتماعی و گروه‌های هدف کیفرهای اجتماع‌محور

میزان سرمایه اجتماعی در میان مجرمانی که مشمول این کیفرها می‌شوند نیز از اهمیت اساسی برخوردار است. زیرا تا زمانی که مؤلفه‌هایی نظیر احساس دوستی و تعلق و یکی بودن با دیگران، همکاری و مشارکت داوطلبانه در رفع مشکلات

۱. برای اطلاعات بیش‌تر در زمینه ارزیابی اثربخشی کیفرهای اجتماع‌محور ر.ک.: قاسمی مقدم، حسن؛ ارزیابی میزان اثر بخشی مجازات‌های اجتماعی در حقوق ایران، انگلستان و ایالات متحده آمریکا؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه امام صادق(ع)، تابستان ۱۳۸۵.

دیگران، شرکت در فعالیت‌های جمعی دیگران و همبستگی و انسجام اجتماعی به عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جامعه ایران پایین باشد بی‌تردید اعمال کیفی‌های اجتماع‌محور به نتایج مطلوب که همانا بازپروری و باز اجتماعی کردن مجرمان است نخواهد رسید. این موضوع در برخی از گونه‌های این کیفی‌ها (مانند خدمات اجتماع‌محور) از اهمیت اساسی برخوردار است. زیرا در این نوع خدمات محکوم‌علیه بدون دریافت دستمزد به حکم دادگاه به نفع جامعه خدماتی را انجام می‌دهد. (ماده ۱۹ لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس)، بنا بر این، اگر گروه‌های هدف و مخاطب این نوع روش جایگزین حبس از نظر شاخصه پیوندها و اعتماد بین فردی و به‌ویژه همکاری و مشارکت داوطلبانه در رفع مشکل دیگران در سطح پایینی باشند می‌توان نتیجه گرفت که بستر اجتماعی لازم برای این نوع کیفی‌ها فراهم نیست (تحقیقات مورد اشاره در گفتار نخست چنین موضوعی را به اثبات رسانده‌اند).

ممکن است گفته شود که کیفی‌های اجتماع‌محور می‌توانند به عنوان ابزارهایی در جهت افزایش سرمایه اجتماعی عمل نمایند. در واقع، فرضیه اصلی این است که قانون در ایجاد تغییر و تحول در روابط اجتماعی نقش اساسی دارد و به تدریج می‌تواند بسترهای اجتماعی و فرهنگی لازم را برای خود فراهم کند. عده‌ای از اندیشمندان مخالف چنین اندیشه‌ای هستند. به عنوان مثال، به عقیده پیروان مکتب تاریخی حقوق (نظیر ساوینی آلمانی و سرهنری مین انگلیسی)، حقوق جزئی از کل حیات اجتماعی به شمار می‌رود که همانند سایر عوامل اجتماعی تحت تأثیر شرایط تاریخی دستخوش تغییر و تحول می‌شود و چون هر نظام حقوقی در گذشته خاص جامعه‌ای معین ریشه دارد، سعی در تغییر آن با شکست مواجه خواهد گردید و چنانچه مقرراتی که با حقوق تاریخی یک ملت مغایر است به زور به آنان تحمیل شود، باعث صدمات و خسارات گوناگونی در جامعه خواهد شد. ساوینی عقیده داشت که تغییرات مطلوب اجتماعی تنها از طریق تحول تدریجی خود شرایط زندگی امکان‌پذیر است. اریک نیز ضمن مخالفت با

کوشش آگاهانه در جهت ایجاد تغییر و تحول از طریق قانون گذاری معتقد است که گنجاندن انواع مختلف فعالیت‌های بشری در قالب مقررات حقوقی همان اندازه منطقی و عملی است که انسان بخواهد رودخانه‌ای را متوقف ساخته در استخری نگاه دارد. آن قسمت از آب رودخانه که به دست می‌آید رودی متحرک و زنده نیست و آبی را که است و بخش زیادی از آب رودخانه را نیز اصولاً متوقف نمی‌توان ساخت. (۳، ۶۹۲: ۸)

در مقابل، دکتر صانعی با پذیرش نظریه‌ای بنیادین در این زمینه معتقد است: «حقیقت مطلب آن است که هر چند ایجاد تغییر و تحول از طریق قوانین و مقررات مخصوصاً در زمینه‌هایی که با عواطف و احساسات عمیق مردم ارتباط دارد با مقاومت شدید روبه‌رو می‌شود و چنانچه با زور و اجبار انجام‌پذیرد، واکنش‌های نامساعدی را در توده‌های مردم و روابط اجتماعی باعث می‌گردد، با این وصف تردید نیست که قانون به عنوان یک عامل کنترل اجتماعی می‌تواند تحولاتی را در سایر نهادهای اجتماعی به وجود آورد، همان طور که در کشورهای کمونیست و برخی دیگر از کشورهای استبدادی از قانون به عنوان وسیله بسیار مؤثر برای ایجاد تحول در نظام اقتصادی و اجتماعی استفاده شده است. با این وصف، این مطلب همیشه مطرح است که این تغییرات و تحولات در شرایط به ترتیب و با استفاده از روش‌هایی صورت گیرد که حداقل بی‌نظمی و اختلال را در کل حیات اجتماعی باعث شود و به تدریج به اعتقاد و ایمان افراد به ضرورت رعایت قوانین وضع شده بینجامد». (۴، ۶۹۳: ۸)

به نظر می‌رسد ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی به دلیل اینکه ریشه در فرهنگ مردم دارد در طی زمان به صورت تدریجی و داوطلبانه صورت می‌گیرد و از یک ابزار قهرآمیز و الزامی نمی‌توان ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی در این سطح را انتظار داشت. اصولاً به چنین هدفی می‌توان به نحو مطلوب از طریق ابزارهای آموزشی و فرهنگی نائل شد و رسالت اصلی حقوق کیفری این موضوع نیست. بدین سان ابتدا باید بسترهای اجتماعی و فرهنگی لازم فراهم

شود و سپس تغییرات مورد نیاز در زمینه اعمال کیفرهای اجتماعی در چنین بستری صورت پذیرد.

**۲-۲. سرمایه اجتماعی و دست‌اندرکاران رسمی اعمال کیفرهای اجتماع‌محور**  
سرمایه اجتماعی در میان کارگزاران رسمی اعمال‌کننده کیفرهای اجتماع‌محور نیز از اهمیت اساسی برخوردار است. اگرچه این افراد بخشی از جامعه فعلی ایران محسوب می‌شوند و پایین بودن سرمایه اجتماعی در ایران بر تصمیم‌گیری‌های آنها تأثیرگذار است، بی‌تردید اندیشه کیفرهای اجتماع‌محور در پرتو نظریاتی شکل گرفته است که پذیرش آنها با کمیت و کیفیت سرمایه اجتماعی در میان مجریان این کیفرها رابطه مستقیمی دارد. این نوع واکنش‌ها از ویژگی‌های سنتی و قهرآمیز عدالت کیفری فاصله می‌گیرند. به عنوان مثال بر خلاف ویژگی آمرانه حقوق کیفری، در خدمات اجتماع‌محور رضایت محکوم‌علیه به این نوع کیفر و نوع خدمت ضروری تلقی می‌شود، (تبصره ۱ ماده ۱۹ لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس). همچنین، در این نوع واکنش، اجرای کیفر مستلزم واگذاری این وظیفه حاکمیتی به نهادهای عمومی غیر دولتی می‌باشد (ماده ۲۴ لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس). بدین‌سان، در کنار بالابردن سایر شاخص‌های سرمایه اجتماعی در این گروه، شاخص‌هایی نظیر اعتماد به نهادهای و اعتماد به گروه‌های اجتماعی از اهمیت اساسی برخوردار است.

بر این اساس، تمرکز ویژه بر افزایش سرمایه اجتماعی در بین مجریان کیفرهای اجتماع‌محور به میزان موفقیت آنها کمک شایانی خواهد کرد. در عمل نیز تجربه برخی از کشورها نظیر جمهوری چک و کنیا در زمینه خدمات اجتماع‌محور از سال ۱۹۹۶ به بعد (که این نوع مجازات در این کشورها اجرا شد) نشان داد که کافی نبودن آموزش برای دست‌اندرکاران عدالت کیفری از جمله مشکلات عملی در عدم توفیق این تدبیر نوین بوده است (۵۴ : ۱).

این موضوع زمانی در ایران مهم جلوه می‌نماید که براساس پیش‌نویس لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس و نیز در تدابیر سنتی جایگزین

حبس (نظیر آزادی مشروط و تعلیق در ق.م.ا.) در اکثر موارد اعمال کیفرهای اجتماعی به اختیار و صلاح دید قضات واگذار شده است. (مواد ۳، ۴ و ۶ لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس) بنا بر این در کنار بسترهای اجرائی لازم که از مؤلفه‌های اصلی توسل به کیفرهای اجتماع محور محسوب می‌شود، میزان شاخص‌های سرمایه اجتماعی نیز در میزان توسل به چنین راه کارهایی بسیار مؤثر می‌باشد. در واقع ناگفته پیداست که کارآمدی و کارایی این نوع کیفرها در ایران، قبل از هر چیز نیازمند بسترسازی حقوقی و از همه مهم‌تر فرهنگ‌سازی قضائی است (۲۰).

## ۲-۳. سرمایه اجتماعی و مشارکت مردم و نهادهای مدنی<sup>۱</sup> در اجرای کیفرهای اجتماع محور

اعمال کیفرهای اجتماع محور مشارکت نهادهای اجتماعی را می‌طلبد (۵۵: ۱۶) این موضوع به صراحت در ماده یک لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان بیان شده است. براساس این ماده «مجازات‌های اجتماعی [کیفرهای اجتماع محور] جایگزین زندان که شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی، جزای نقدی روزانه و محرومیت موقت از حقوق اجتماعی می‌باشد با مشارکت مردم و نهادهای مدنی به شرح این قانون، اعمال می‌گردد».<sup>۲</sup>

حال سؤالاتی در این زمینه مطرح می‌شود: اولاً؛ شاخص‌های مشارکت

۱. برای اطلاعات بیش‌تر در زمینه سیاست جنائی مشارکتی ر.ک.: رستمی، ولی؛ سیاست جنائی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران؛ رساله دکتر حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

۲. با وجود اشاره به نقش محوری مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اعمال این کیفرها، در هیچ بخشی از لایحه، این سیاست نمود عملی پیدا نکرده و نحوه این مشارکت مشخص نشده است. فقط در ماده ۲۴ و هم در فصل مربوط به خدمات اجتماع محور آمده است که «انواع خدمات عمومی [اجتماع محور]، فهرست دستگاه‌های اجرائی و نهادها، مؤسسات عمومی غیردولتی پذیرنده محکومان به انجام خدمات عمومی، چگونگی همکاری آنان با قاضی اجرای مجازات اجتماعی [اجتماع محور] جایگزین زندان، کیفیت خدمات عمومی [اجتماع محور] که محکوم علیه انجام می‌دهد و چگونگی نظارت بر آن، مطابق آئین‌نامه‌ای است که بنا به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد» مشاهده می‌شود که در این ماده صریحاً از نهادهای جامعوی و یا مردم نهاد نام برده نشده است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد مواردی که تعیین آن به آئین‌نامه واگذار شده است از چنان اهمیتی برخوردار اند که باید تکلیف آنها در قانون عادی مشخص می‌گردید.



اجتماعی مردم و نهادهای غیردولتی در ایران امروز از چه وضعیتی برخوردار است و ثانیاً؛ سیاست‌های رسمی دولتی تا چه حد بسترهای اجرائی و قانونی لازم برای مشارکت نهادهای مدنی را فراهم نموده است و از نظر کمی و کیفی این مشارکت در چه وضعیتی است. بی‌شک پاسخ به سؤال دوم که یک بستر اجرائی مهم محسوب می‌شود نیازمند تحقیق مستقلی است.<sup>۱</sup> اما براساس پژوهش‌های صورت گرفته شاید بتوان تا حدودی به سؤال اول پاسخ داد.

بر اساس یافته‌های طرح ملی بررسی و سنجش سرمایه اجتماعی در ایران مشخص شده است که میزان سرمایه اجتماعی بر شاخص روابط انجمنی و به ویژه قبول مسؤولیت اجرائی در نهادهای مدنی یا کمک فکری به آنها بسیار پایین است و این امر نشانگر آن است که در ایران کمتر کسی به دنبال خیر جمعی (حداقل به صورت نهادی) است. سرمایه اجتماعی بر اساس احساس دوستی و تعلق و یکی بودن با دیگران و نیز شرکت در فعالیت‌های جمعی پایین می‌باشد.

همچنین بر اساس تحقیق پرسش‌نامه‌ای که در سال ۱۳۸۴ بر روی ۶۵۳ نفر از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای و با مراجعه به منازل شهروندان تهرانی<sup>۲</sup> صورت پذیرفت نتایج جالبی در زمینه مشارکت اجتماعی، ذهنی و عینی<sup>۳</sup> به دست آمد (۴، ۳۱۳: ۱۸).

اول، در بعد مشارکت ذهنی: ۸۱/۲ درصد پاسخ‌گویان با گویه ضرورت توجه به پیشرفت فردی موافق بودند؛ ۸۲/۵ درصد پاسخ‌گویان معتقد بودند که هر کس

۱. برای اطلاعات بیشتر تر.ک.: توسلی، غلام عباس؛ و نجاتی حسینی، واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران؛ مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، تهران، تابستان ۱۳۸۳، صص ۳۲-۶۲.

۲. از مجموع ۶۵۳ نفر ۳۲۷ نفر (۵۰/۱ درصد) مرد و ۳۲۶ نفر (۴۹/۹) زن بودند، ۴۴۰ نفر مجرد و ۲۱۳ نفر متأهل بودند، ۳۰ نفر دارای تحصیلات رسمی، ۹۸ نفر در حد ابتدایی، ۳۸ نفر در حد راهنمایی، ۳۲۵ نفر در حد دبیرستان و دیپلم و ۱۵۲ نفر در حد دانشگاه بودند.

۳. مشارکت در برگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. مشارکت می‌تواند در دو سطح عملی شود: الف- بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است. ب- بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت با نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند.

مسئول زندگی خود می‌باشد؛ اکثریت یعنی ۶۲/۵ درصد پاسخ‌گویان معتقد اند که مشکلات باید توسط دولت حل شود تا به دست خود مردم. دوم، در زمینه بعد عینی مشارکت اجتماعی: ۵۹ نفر (۷۷/۹ درصد) پاسخ‌گویان عضو انجمن اولیاء و مربیان مدرسه نبودند.

— ۵۴۶ نفر (۸۳/۶ درصد) در مؤسسات عام‌المنفعه عضویت نداشتند (جمع‌بندی شاخص عضویت در نهادها و مؤسسات نشان داد که تنها هفت درصد در این نهادها و مؤسسات عضویت دارند).

— اکثریت (۹۴/۹ درصد) کمکی به نهادها مؤسسات انتفاعی و غیرانتفاعی نکرده اند و اکثریت (۹۶/۳ درصد) هرگز در جلسات نهادها و مؤسسات شرکت ننموده اند و ۹۸/۳ درصد هرگز در جلسات تأسیس نهادها و مؤسسات شرکت نکرده اند.

جمع‌بندی شاخص‌های مشارکت اجتماعی عینی نشان می‌دهد که اکثریت (۹۱/۶ درصد) پاسخ‌گویان در نهادهای مدنی مشارکتی ندارند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اعمال کیفی‌های اجتماع‌محور و به‌ویژه خدمات اجتماع‌محور تا چه حد با بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه فعلی ایران مطابقت دارد؟ پاسخ به این سؤال بر اساس دو پژوهش صورت گرفته تا حدود زیادی منفی است، زیرا که شاخص روابط انجمنی و نیز احساس دوستی و تعلق و یکی بودن با دیگران و نیز شرکت در فعالیت‌های جمعی پایین است و بدون افزایش شاخص‌های مذکور بی‌تردید اعمال ضمانت اجرای خدمات اجتماع‌محور موفقیت‌چندانی نخواهد داشت. نتایج پژوهش مربوط به ارزیابی مشارکت اجتماعی در تهران نیز که در بالا ارائه شده بسیار هشداردهنده است زیرا نه تنها در زمینه مشارکت اجتماعی عینی اکثریت پاسخ‌گویان در نهادهای مدنی مشارکتی ندارند بلکه در بعد مشارکت ذهنی که از باور عمومی مردم نشأت می‌گیرد، پاسخ‌گویان بر پیشرفت فردی و اینکه هرکس مسئول زندگی خود می‌باشد و بر راه‌کارهای دولتی در حل مشکلات

تأکید کرده اند.

### نتیجه‌گیری

سیاست کیفری در قلمرو گسترده‌تری به نام سیاست اجتماعی قرار می‌گیرد. پرهیز از تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در خلأ ایجاب می‌کند که به شاخصه‌ها و مؤلفه‌های این حوزه در اتخاذ هر نوع سیاست کیفری توجه شود. هر چند بخشی از تحولات در زمینه واکنش اجتماعی علیه بزه‌کاری تحت تأثیر موازین جهانی حقوق بشر به وقوع پیوسته است و این توجه به کرامت ذاتی انسان (ولو بزه‌کار) مختص جامعه خاصی نیست، اما بی‌تردید بخش زیادی از این تحولات با توجه به نوع، گستره و کیفیت بزه‌کاری در جوامع غربی، تجربیات خاص آنها در مبارزه با جرائم و نیز از هم مهم‌تر با توجه به بسترهای اجتماعی، فرهنگی، اجرائی و رفاهی ویژه آنها، پیشنهاد، تصویب و اجرا شده است و مرتباً هم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این راستا، کشورهای واردکننده سیاست‌های کنترل جرم بیش از هر چیز باید «بومی‌سازی این سیاست‌ها» را مدنظر قرار دهند. تجربه قانون‌گذاری کیفری نزدیک به یک قرن در ایران که بخش اعظم آن از دیگر کشورها اقتباس شده است، نشان می‌دهد که اتخاذ سیاست‌های کنترل جرم بدون توجه به بسترهای اجرائی، اجتماعی و فرهنگی ایران در مقاطعی منجر به تصویب قوانین و مقرراتی شده است که در عمل متروک مانده اند. لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان که در حال تبدیل شدن به قانونی لازم‌الاجراست. (البته به صورت آزمایشی) نیز می‌تواند در این راستا قابل تحلیل باشد.

رهیافت تدوین‌کنندگان لایحه می‌تواند بر فرضیه‌های زیر مبتنی باشد: ۱. در اسلام زندان نقش فرعی در مجازات بزه‌کاران دارد و این لایحه همسو با سیاست کیفری اسلام است؛ ۲. با توجه به رویکرد قوه قضائیه مبنی بر کاهش استفاده از حبس در صورت تصویب این لایحه حدود ۴۵/۶ درصد از کیفرهای قانونی حبس‌های کوتاه مدت را شامل می‌شود؛ ۳. این کیفرها به دنبال جدا نکردن مجرم از جامعه و ایجاد تغییر در اجتماعی که وی در آن بر سر می‌برد و بازپروری

اجتماعی او می‌باشند؛ ۴. این کیفرها بر خلاف زندان بار مالی برای قوه قضائیه نداشته و نیاز به فضا و امکانات زندان را از میان برده یا دست کم کاهش داده و در مجموع، موجب کاهش هزینه‌ها می‌شوند.<sup>۱</sup>

به فرض بپذیریم که با تصویب لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان، اکثر اهدافی که تدوین‌کنندگان به دنبال آن بودند تحقق پیدا می‌کند، اما آیا اهداف ایجابی آن که در واقع نظارت فعال بر مجرمان در بستر اجتماع و مراقبت فعال از آنها، اصلاح و بازپروری بزه‌کاران و مهم‌تر از همه مشارکت مردم و نهادهای غیردولتی در اجرای این مجازات‌ها می‌باشد، تحقق عملی پیدا خواهد کرد؟

ارزیابی شاخص‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از قبیل روابط انجمنی و شبکه روابط با گروه‌ها و نهادها، اعتماد اجتماعی، و اعتماد بین فردی نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی در ایران به‌ویژه سرمایه اجتماعی جدید که بستر اجتماعی و فرهنگی اجرای مجازات‌های اجتماعی در ایران تلقی می‌شوند، پایین است. لذا تا زمانی که مؤلفه‌هایی نظیر احساس دوستی و تعلق و یکی‌بودن با دیگران، همکاری و مشارکت داوطلبانه در رفع مشکلات و شرکت در فعالیت‌های جمعی دیگران در جامعه ایران پایین باشد، به نظر می‌رسد اجرای مجازات‌های اجتماعی به‌ویژه خدمات اجتماع‌محور با چالش‌های جدی مواجه باشد این امر در مورد هر سه گروه بزه‌کاران، مجریان کیفرهای اجتماع‌محور و اعضای جامعه صادق است.

بررسی علل عدم موفقیت نهاد تعلیق اجرای مجازات در ایران، که حدود ۸۲ سال از ورود آن به نظام عدالت کیفری ایران از قوانین کیفری فرانسه می‌گذرد و با کیفرهای پیش‌بینی شده در لایحه مجازات‌های اجتماعی به‌ویژه، دوره مراقبت همانندی‌هایی دارد، می‌توانست اولین گامی باشد که قبل از تدوین، پیشنهاد و نهایتاً تصویب لایحه مجازات‌های اجتماعی در ایران باید برداشته شود. نتایج این

۱. این موارد چندگانه در مقدمه توجیهی لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان آورده شده است. ر.ک.: مقدمه لایحه مجازات‌های اجتماعی؛ تدوین شده در مرکز مطالعات توسعه قضایی قوه قضائیه ۸۳-۱۳۸۲.

تحقیق می‌توانست سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران را به تأمل و احتیاط بیش‌تر در این زمینه وا دارد. هر چند اظهار نظر در زمینه میزان موفقیت این تدابیر در عمل نیازمند یک پژوهش میدانی می‌باشد اما عدم اقبال قضات در توسل به این جایگزین به دلیل فراهم نمودن بسترهای اجرائی، اجتماعی و فرهنگی بر کسی پوشیده نیست، به نحوی که در سال‌های اخیر با اتخاذ روی کرد حبس‌زدایی در دستگاه قضائی کشور شاهد صدور بخش‌نامه‌هایی از طرف ریاست محترم قوه قضائیه بوده‌ایم که بر توجه دادرسان به استفاده از تعلیق اجرای مجازات تأکید نموده‌اند<sup>۱</sup>. بومی‌سازی سیاست‌های انتقالی کنترل جرم و توجه به بسترهای اجتماعی، فرهنگی، اجرائی و رفاهی لازم برای اعمال این سیاست‌ها، امری است که بیش از اینها باید مورد توجه سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و قانون‌گذاران در حوزه عدالت، قرار بگیرد.

## فهرست منابع

۱. آشوری، محمد و دیگران؛ جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین؛ چاپ اول، نشر گرایش، تهران، ۱۳۸۲.
۲. امین، سید حسن؛ تاریخ حقوق ایران؛ انتشارات دایرة المعارف ایران‌شناسی، تهران، ۱۳۸۲.
۳. تاجبخش، کیان؛ سرمایه اجتماعی؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه؛ ترجمه: خاکباز و پویان؛ انتشارات شیرازه، تهران، ۱۳۸۴.
۴. پرادل، ژان؛ تاریخ اندیشه‌های کیفری؛ ترجمه: نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۶.
۵. چلبی، مسعود و مبارکی، محمد؛ تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح جزء دو کلان مجله جامعه‌شناسی ایران؛ دوره ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۴.
۶. ربانی، علی و ارشدی، وحید؛ تأثیر سیاست‌های توسعه اقتصادی و سیاسی ایران بعد از جنگ در تخریب سرمایه

- اجتماعی؛ مجموعه مقالات همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی تهران، ۱۳۸۴.
۷. سهراب‌بیگ، امیرعباس؛ بررسی بسترهای اجرایی، اعمال مجازات‌های اجتماعی در ایران؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.
۸. صناعی، پرویز؛ حقوق و اجتماع؛ انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۸۱.
۹. عسگری مقدم، رضا؛ بررسی متون کتاب‌های فارسی دوره دبستان از نظر تشکیل سرمایه اجتماعی؛ مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ۱۳۸۴.
۱۰. عبداللهی، محمد و موسوی، میرطاهر؛ سرمایه اجتماعی، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار؛ فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال ششم، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۸۶.
۱۱. فوکویاما، فرانسیس؛ پایان نظم - سرمایه اجتماعی و حفظ آن؛ ترجمه: توسلی، غلام‌عباس؛ نشر جامعه ایرانیان، تهران، ۱۳۷۹.
۱۲. فوکویاما، فرانسیس؛ سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی؛ مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی انتشارات شیرازه، تهران، ۱۳۸۴.
۱۳. قاسمی، وحید و اسماعیلی، رضا؛ بررسی و تحلیل سرمایه اجتماعی در استان اصفهان؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان، ۱۳۸۵.
۱۴. کتابچه دستورالعمل دیوان عدلیه عظیم؛ مجله کانون و کلا، تهران، ۱۳۳۴.
۱۵. گودرزی بروجردی، محمدرضا؛ و مقدادی، لیلا؛ کیفرشناسی نوین یا کیفی‌های اجتماعی؛ چاپ اول، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۴.
۱۶. گودرزی بروجردی، محمدرضا؛ سیاست جنائی قضایی؛ چاپ انتشارات سلسبیل، قم، ۱۳۸۴.
۱۷. مرکز مطالعات توسعه قضایی قوه قضاییه؛ گزارش توجیهی لایحه مجازات‌های اجتماعی، تهران، ۱۳۸۲-۳.
۱۸. موسوی، میرطاهر؛ تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۸۴.
۱۹. موسوی، میرطاهر؛ طرح ملی بررسی و سنجش سرمایه اجتماعی در ایران؛ دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۶.
۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین؛ کیفی‌های جامعه‌مدار، دیباچه در: پرنار، بولکا؛ کیفرشناسی؛ ترجمه: نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین؛ ویراست چهارم، مجمع علمی فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۸۴.
۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین؛ مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان؛ مجموعه مقالات همایش راه‌کارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۶.

22. Beugelsdijk, A. & Schaik, T., **Differences in Social Capital Between 54 Western European Regions**; *Regional Studies*, 39, 2005.
23. Bourdieu, P, **The Forms of Capital**; in J.Richard Son (ed), *Handbook of Theory and Research for Sociology of Education*, N.Y. Greenwood Press, 1986.
24. Coleman, J. **Equality and Achievement in Education**; Westviewpress, 1990.
25. Colman, J. **Foundation of Social Theory**; Cambridge, 1994.
26. Halpern, D. **Social Capital**; Polity Press, UK, 2005.
27. Paxton, P. IS, **Social Capital Declining in the United States**; *AJS*, Vol 105, No 1, 1999.